

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب

بهائیت، رقص استعمار (۱۰)

وحدت عالم انسانی



www.adyannet.com

مثال سفر بهائیان به اسرائیل برای زیارت باید دقیقاً توسط تشکیلات برنامه ریزی شود و یک بهایی حق ندارد بدون اجازه آنها به اسرائیل سفر کند والا طرد خواهد شد.

پرسش پایانی در این باره این است که چرا هم اکنون در اثر تعلیمات به اصطلاح الهی بهائیت و وجود شعار وحدت عالم انسانی، گروه‌های متعددی از بهائیت جدا شده و تحت عناوین:

بهائیان سابق، بهائیان واقعی، بهائیان طرد

شده، بهائیان همجنس‌گرا و بهائیان اصلاح

طلب، بدون هیچ گونه وحدت و تفاهمی

در حوزه‌های مورد علاقه خود مشغول فعالیت هستند؟

همه انسانها را از طینت واحده می‌داند؛ اما برای حق طلبی، حق جویی و توجه به فضیلت‌های انسانی ارزش قائل است و میان انسان‌ها بر اساس توجه آن‌ها به این معیارها تفاوت قائل است.

وجود جهانی متحد که آحاد آن همدل و همیار و همراه باشند، در صورتی مورد علاقه مؤمنین است که بر اساس تعالیم دین و در مسیر خدا حرکت کند.

بهائیتی که مدعی وحدت عالم انسانی

است، حکم به شدت بدوی طرد روحانی

را چگونه توجیه می‌کند؟ طرد در بهائیت

آنچنان وحشیانه است که از طاعونی شمردن فرد هم سخت‌تر به حساب می‌آید که در

صورت طرد شدن فرد، نزدیک‌ترین افراد به او مثل پدر و مادر و فرزند و همسر حق گفتگو و

ارتباط با وی را ندارند و شاید بتوان طرد را از مرگ هم سخت‌تر و ناراحت‌کننده‌تر دانست.

جالب است بدانیم طرد روحانی گاهی با دلایلی بسیار پیش پا افتاده اتفاق افتاده است. به عنوان

ای نیست؛ بلکه همه ادیان الهی این را گفته اند. اگر مقصود احترام متقابل ملتها به همدیگر و رعایت حقوق جوامع توسط یکدیگر است، در بهائیت این موضوع مصداق ندارد. به عنوان نمونه عبدالبهاء در یکی از سخنرانیهای خود، در مقام تعریف و تمجید از سیاهان آمریکایی و مقایسه آنان با سیاهان آفریقایی، سیاه پوستان را مورد اهانت قرار داده و آنها را گاوهایی به صورت انسان می‌داند. وی می‌گوید:

«مثلاً چه فرق است میان سیاهان افریک و سیاهان امریک، اینها خلق الله البقر علی صورہ البشرند، آنان متمدن و با هوش و ...»^(۳)

وحدت عالم انسانی بدون توجه به تفاوت‌های فکری، عقیدتی و نحوه تعاملات اجتماعی اساساً مورد قبول اسلام نیست، بلکه با خرد و وجدان آدمیان کاملاً مغایرت دارد. اسلام اگرچه با عدم فرق گذاشتن بین سیاه و سفید، غنی و نیازمند،

۳. خطابات عبدالبهاء، ص ۱۱۹.

مبینید، همه بار یک دار و برگ یک شاخسارید.»^(۱) عبدالبهاء در تبیین وحدت عالم انسانی می‌گوید: «جفاکار را مانند وفادار به نهایت محبت رفتار کنید و گرگان خونخوار را مانند غزالان ختن و ختامشک معطر به مشام رسانید.»^(۲) اینک بهائیت باید توضیح دهد که:

به صورت واضح مقصود از وحدت عالم انسانی چیست؟

راه کار و مکانیزم دست یابی به این وحدت کدام است؟

در صورت ایجاد وحدت مورد نظر، رهبران و متصدیان اداره جهان متحد با توجه به وجود آراء متعدد و متشتت چگونه انتخاب خواهند شد تا حقوق اقلیت‌ها نیز رعایت شود؟ اگر مراد از وحدت عالم انسانی این است که سوءظن، حسادت، نفرت، تجاوز و تعصبات فردی را کنار بگذاریم و در یک جمله سعی کنیم همگی انسان‌های خوبی باشیم که موضوع تازه

۱. بهاءالله، دریای دانش، ص ۸.

۲. عبدالبهاء، مکاتیب، ص ۱۶۰.

وحدت عالم انسانی

عبدالبهاء در سفر تبلیغی خود به اروپا و امریکا، در مجامع، کلیساها و کنائس مختلف به سخنرانی پرداخته و به عنوان تبیین کننده آثار بهاءالله اصولی را در ۱۲ سرفصل به عنوان تعالیم بهائیت معرفی کرد و مدعی شد که این تعالیم بدیع و بکر و منبعث از آورده‌های بهاءالله است. یکی از تعالیم دوازده گانه بهائیان وحدت عالم انسانی است. شوقی افندی وحدت عالم انسانی را در رأس تمام تعالیم بهائی معرفی کرده است.

بهاءالله می‌گوید: «ای اهل عالم، سرا پرده یگانگی بلند شد، به چشم بیگانگان یکدیگر را